



## درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: مسئله بیست و هشتم  
تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۹۱  
موضوع جزئی: معنای عدالت - اجتناب از صغیره (حق در مسئله) مصادف با: ۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۴  
سال سوم  
جلسه: ۶۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### قول سوم: تفصیل در مسئله

قول سوم در مسئله اعتبار اجتناب از صغیره در معنای عدالت، تفصیلی است که محقق همدانی بین صغائر داده‌اند؛ به نظر ایشان ارتکاب بعضی از صغائر موجب فسق و خروج از دایره عدالت است ولی ارتکاب بعضی از صغائر موجب فسق نیست به عبارت دیگر اجتناب از برخی صغائر در معنای عدالت مدخلیت دارد نه اجتناب از همه صغائر. این قول از این جهت تفصیل است که در قول اول اجتناب از همه گناهان صغیره در تحقق عدالت معتبر است و بنابر قول دوم یعنی قول مشهور اجتناب از صغیره مطلقاً معتبر نیست ولی این قول تفصیل داده و می‌گوید بعضی از صغائر باید ترک شوند تا عدالت محقق شود اما ارتکاب بعضی از صغائر موجب فسق نیست.

محصل فرمایش محقق همدانی این است: آنچه در تحقق وصف عدالت معتبر است این است که شخص از هر چیزی که نزد شارع یا در انظار عرف از کبائر محسوب می‌شود اجتناب کند علاوه بر این باید از صغائری که التفات به حرمت آن دارد و برای ارتکاب آن هیچ عذری از اعدار عرفیه مثل خجالت و حیا و درخواست دوست و امثال آن ندارد، اجتناب کند. اما گناهان صغیره‌ای که او به حرمت آن التفات و توجه نداشته یا برای ارتکاب آن عذر عرفی داشته باشد، موجب خروج از دایره عدالت نیست؛ چون این نحو معصیت‌ها در نظر عرف مانند لا معصیت است و عرف در این موارد با مسامحه برخورد می‌کند علت این مطلب هم این است که حکم عرف در تشخیص موضوعات احکام متبع است؛ یعنی شارع احکام را بیان و بر موضوعات مترتب می‌کند اما تشخیص موضوع به عهده عرف است عرف هم نظرش مبتنی بر برخی مسامحات است بالاخره دقت‌های عقلی در نظر عرف کنار می‌رود پس اگر معصیتی از دید عرف کالعدم بود چون به مسامحه با موضوع نگاه می‌کند لذا ارتکاب آن معصیت لطمه‌ای به عدالت نمی‌زند. اگر بخواهیم به صورت ساده و خلاصه فرمایش محقق همدانی را بیان کنیم یعنی می‌گوییم: از صغائری که به نظر عرف ناچیز نیست باید اجتناب شود اما ارتکاب صغائری که در نظر عرف ناچیز است، مخل به عدالت نیست فقط یک نکته‌ای را ایشان در ذیل کلامشان بیان می‌فرمایند و آن اینکه: مسامحات عرفیه تا جایی مغتفر است که شارع آنها را تخطئه نکند. این گونه نیست که شارع چشمش را بر روی همه مسامحات عرفیه ببندد برخی مواقع شارع مسامحات عرفیه را رد می‌کند مثلاً برخی از گناهان کبیره در نظر عرف کوچک است و عرف در مورد آنها مسامحه می‌کند و آنها را گناه صغیره می‌داند ولی شرع آن را قبول نمی‌کند و رد می‌کند مثلاً دروغ در مقام شوخی و مزاح که از نظر عرف دروغ گفتن در مقام مزاح یک امر مهمی نیست و یک گناه صغیره ناچیز

است اما در نظر شرع این گونه نیست یا مثلاً غیبت که از نظر عرف گناه نیست و بعضاً مباح و بلکه بعضی از اوقات آن را لازم و واجب می‌دانند. اینجا از نظر شرع این قابل قبول نیست و آن را تخطئه کرده است.<sup>۱</sup>

#### **صور مختلف ارتکاب صغیره در کلام محقق همدانی:**

ما اگر بخواهیم فرمایش محقق همدانی را دسته بندی کنیم در فرمایش ایشان به طور کلی برای ارتکاب صغیره چهار صورت ذکر شده که بعضی از آنها منافی عدالت است و اجتناب از آنها در معنای عدالت دخیل است و برخی منافی عدالت نیست لذا اجتناب از آنها در تحقق عدالت معتبر نیست. البته بحث در صغائر است و گرنه در اینکه اجتناب از کبیره لازم است تردیدی نیست لکن اضافه‌ای که ایشان دارد و فرموده این است: "اجتناب از کبیره در نظر شرع یا در نظر عرف" عبارت ایشان این است: آنچه که در تحقق وصف عدالت معتبر است این است که شخص از هر چیزی که در نزد شرع یا انظار عرف از کبائر محسوب می‌شود اجتناب کند. اینکه چرا در انظار عرف را ایشان اضافه کرده، وجه آن معلوم نیست اما در مورد صغائر ایشان چهار صورت ذکر کرده است:

**صورت اول:** ارتکاب صغیره عمداً و در حال التفات به حرمت بدون آنکه برای ارتکاب صغیره عذری از اعدار عرفیه داشته باشد؛ این صورت منافی با عدالت است لذا برای تحقق عدالت اجتناب از آن لازم است.

**صورت دوم:** ارتکاب صغیره‌ای است که نزد عرف صغیره محسوب می‌شود ولی در نظر شارع صغیره نیست و عرف را در این جهت تخطئه کرده است؛ این صورت هم منافی با عدالت است و اجتناب از آن لازم است.

**صورت سوم:** ارتکاب صغیره در حالی که التفات به حرمت آن ندارد این هم منافی با عدالت نیست و اجتناب از آن در تحقق عدالت معتبر نمی‌باشد.

**صورت چهارم:** ارتکاب صغیره در حالی که التفات به حرمت آن دارد ولی برای ارتکاب آن یک عذر عرفی دارد مثلاً در مجلس غیبت حضور دارد اینجا وظیفه او خروج از مجلس غیبت است لکن او این واجب را به خاطر درخواست دوستش ترک می‌کند عدم ترک مجلس غیبت یک گناه صغیره است ولی برای ارتکاب آن عذر دارد یا امر به معروف را به خاطر اینکه خجالت می‌کشد ترک می‌کند که اینجا برای ترک امر به معروف که گناه صغیره‌ای است عذر دارد مثلاً خجالت و حیا مانع می‌شود آن را انجام دهد؛ این ارتکاب صغائر موجب خروج از عدالت نیست البته در این نوع اخیر با اینکه التفات به حرمت آن دارد به خاطر یک عذر عرفی آن صغیره را مرتکب می‌شود ولی در نفس خودش از اینکه دارد آن را مرتکب می‌شود کراهت دارد و ناراحت است که این صورت منافی با عدالت نیست.

این چهار صورت در کلمات محقق همدانی وجود دارد؛ پس ایشان بین صور ارتکاب صغیره تفصیل داده در دو صورت اجتناب لازم و در دو صورت اجتناب لازم نیست.

#### **بررسی قول سوم:**

این قول به نظر ما محل اشکال است و مواضعی از کلام ایشان محل تأمل است:

**موضع اول:** همان نکته‌ای که بیان کردیم اینکه ایشان فرمود اجتناب از کبیره در نظر شرع یا در انظار عرف لازم است وجه عطف عرف به شرع در اینجا معلوم نیست؛ به چه دلیل چیزی که عندالعرف از کبائر محسوب می‌شود اجتناب از آن لازم باشد ممکن

۱. مصباح الفقیه، کتاب الصلاة، ص ۶۷۵.

است ممکن است گفته شود منظور از عرف اینجا عرف متشرعه است؛ حتی اگر منظور ایشان عرف متشرعه هم باشد باز هم ما همین سؤال را داریم چه بسا یک معروفي در بين عرف و حتى بين متشرعه تبديل به يك منكر شود و از كبائر محسوب بشود آيا بايد از آن اجتناب كرد؟ لذا به نظر مي رسد هيچ وجهي براي ذكر عرف در کنار شرع نسبت به كبائر وجود ندارد.

**موضع دوم:** اين مطلبي كه ايشان فرمود: حكم عرف در تشخيص موضوعات احكام متبع است ولو آنكه مبتني بر بعضي مسامحات عرفيه باشد؛ اين سخن في نفسه سخن درستي است چون در استفاده مفاهيم از الفاظ توسعه و تضيق به عرف بر مي گردد يعني ما بهر حال بايد براي شناخت موضوع به عرف رجوع كنيم ولو عرف اهل مسامحه است مثلاً فرض كنيد در شرع آمده وضو با آب مضاف صحيح نيست و بايد آب مطلق باشد معمولاً آب آميخته با يك املاحي مي باشد يعني آب خالص نيست ولي عرف اين آب را با وجود همه املاح ماء مطلق مي داند نه مضاف چون با مسامحه مي نگرد؛ اينجا نظر عرف متبع است هر چيزي كه از نظر عرف بر آن صدق ماء كند با آن مي شود وضو گرفت يا تطهير كرد.

اما در مواردی که مفهومی روشن است حکمی بر یک لفظی و بر یک مفهومی بار شده مثلاً وجوب قصر بر مسافر ثابت شده و مفهوم سفر در شرع بیان شده کسی که هشت فرسخ از وطن خودش (رفت و برگشت) طی مسافت کند، مسافر است؛ اینجا اگر به مسامحات عرفیه بخواهیم اخذ کنیم اگر مقداری کمتر از این مسافت بخواهد باشد عرف می گوید این مقدار مهم نیست ولی این مسامحه در شرع پذیرفته نیست یا مثلاً در مورد آب کر که اگر به اندازه یک انگشت کمتر از بیست و هفت وجب باشد، عرف این را خیلی مهم نمی داند اما از نظر شرع این گونه نیست پس مسامحه عرفی مورد قبول است و حکم عرف در تشخيص موضوعات احكام ولو مبتنياً على المسامحة متبع است اما در جايي كه آن مفاهيم توسط خود شرع حدود آن معين نشده باشد. پس كليت اين مطلب درست است يعني في الجملة درست است اما بالجملة تمام نيست.

**موضع سوم:** اينكه ايشان در مورد صغائر فرموده است دو صورت منافي عدالت نيست و ارتكاب دو صورت منافي عدالت است هيچ وجهي براي اين تفصيل ذكر نكرده اند. به چه دليل اگر ارتكاب صغيره عمداً باشد و در حال التفات باشد بدون هيچ عذري اين منافي با عدالت است اما اگر عمداً نباشد (بدون التفات) باشد، اين منافي عدالت نيست وجه اين تفصيل چيست؟ ايشان هيچ دليلي براي اين تفصيل اقامه نكرده است تنها دليل ايشان همين نکته اي بود كه بيان كرديم اينكه حكم عرف در تشخيص موضوعات احكام متبع است ولو اينكه مبتني بر مسامحه عرفيه باشد؛ بالاخره آيا منظور محقق همداني از تفصيل اين است كه در مواردی كه عند العرف معصيت است بايد اجتناب كرد و در مواردی كه عند العرف كالعدم است اجتناب لازم نيست؟ يعني آيا ايشان مي خواهد ملاك در اين تفصيل را نظر عرف قرار دهد يعني آنچه كه از نظر عرفی صدق معصيت كند بايد اجتناب كند و آنچه كه از نظر عرفی صدق معصيت نكند، لازم نيست اجتناب كند؛ اگر اين ملاك است ديگر بحث التفات و عدم التفات چرا مطرح شده؟

اگر ملاك صدق عرفی و تشخيص عرف نسبت به موضوعات احكام است پس التفات و عدم التفات چه خصوصيتي دارد؟ ايشان نمي تواند بگويد در جايي كه التفات هست عرف معصيت مي داند و در جايي كه التفات نيست عرف معصيت نمي داند عرف به التفات و عدم التفات كاري ندارد. هم چنين اگر ملاك عرف است، داشتن عذر يا نداشتن عذر نمي تواند فارق بين صور ارتكاب صغيره باشد. عذر به طور كلي اگر به حد ضرورت برسد ارتكاب كبيره هم اشكالي ندارد و اگر به حد ضرورت نرسد، ديگر ارتكاب صغيره هم جايز نيست. به صرف يك عذر نمي توانيم بين صور ارتكاب صغيره تفصيل قائل شويم پس نظر محقق همداني در اين

تفصیل نمی‌تواند بر مدار عرف باشد اگر ملاک صدق عرفی و عرف است و اگر ملاک این است که چیزی از نظر عرف معصیت باشد، دیگر داخل کردن التفات و عدم التفات، داخل کردن عذر عرفی هیچ وجهی ندارد. اگر هم ملاک عرف نیست، پس ملاک تفصیل چیست؟ البته ظاهر کلمات ایشان این است که ملاک صدق عرفی است، تا جایی که شرع تخطئه نکرده باشد. اگر ملاک صدق عرفی باشد تخطئه شرع چرا مطرح می‌شود؟ اگر بگوییم ملاک نظر عرف است تا جایی که شرع مسامحه عرف را نپذیرد باز هم همان اشکال وجود دارد که مسئله التفات و عدم التفات و عذر داشتن و عدم عذر اینها نمی‌تواند فارق بین این صور باشد. لذا در مجموع به نظر می‌رسد فرمایش محقق همدانی تمام نیست.

### حق در مسئله:

تا اینجا ما در مسئله اجتناب از صغیره سه قول ذکر کردیم حال مقتضای تحقیق در مسئله چیست؟ از بین این سه قول حق در مسئله کدام است؟ آیا قول اول که می‌گوید عادل کسی است که هم از کبائر اجتناب کند و هم از صغائر یا قول دوم یعنی قول مشهور که می‌گوید عدالت فقط به اجتناب از کبائر محقق می‌شود یا قول سوم که تفصیل در مسئله است؛ به نظر می‌رسد حق با قول دوم یعنی قول مشهور است. چنانچه ملاحظه فرمودید ادله قول اول ذکر گردید و همه آنها مورد اشکال قرار گرفت و قول سوم هم مورد اشکال واقع شد لذا حق قول مشهور یعنی قول دوم است چون ادله‌ای که ذکر شد، از صحیحة عبدالله ابن ابی یعفر و صحیحة حریر اینها همه دلالت بر این می‌کند که اجتناب از مطلق صغائر در معنای عدالت دخالت ندارد. در صحیحة ابن ابی یعفر که در مورد عدالت وارد شده این جمله است «و يعرف باجتنب الكبائر» این مطلق صغائر را خارج کرده است. در صحیحة حریر که در مورد شهادت بود شهادت مرتکب کبائر را غیر قابل قبول دانسته است گفتیم این «لیس یعرفون بشهادة الزور» کنایه از مطلق کبائر است خصوص شهادت زور و باطل و خلاف موضوعیت ندارد؛ کسی که اهل اجتناب از کبائر است، شهادتش مقبول است لذا ارتکاب صغائر منافی با نفوذ شهادت نیست.

دلیل سومی هم که گفته شد ملازمه بین عفو از صغائر و عدم الفسق که آن هم مطلق بود یعنی عفو از صغائر در آن تفصیلی وجود ندارد؛ طبق ادله صغائر مورد عفو قرار گرفته‌اند همچنین در روایاتی که بحث تکفیر گناهان صغیره را مطرح کرده، هیچ تفصیلی مطرح نشده است. بنابراین نه وجهی برای تفصیل محقق همدانی وجود دارد و نه قول اول لذا حق با مشهور یعنی قول دوم می‌باشد.

«هذا تمام الكلام فی البحث عن اجتناب الصغیره»

**بحث جلسه آینده:** بحث جلسه آینده در مورد اعتبار مروئت در معنای عدالت خواهد بود. اینکه آیا مروئت در معنای عدالت دخیل است؟ اصلاً باید دید مروئت چیست یعنی معنای مروئت باید معلوم گردد و بعد ادله را بررسی کنیم آیا ادله دلالت بر اعتبار مروئت دارد که إن شاء الله در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»